

المُسْتَعَان

فِي

إِعْرَابِ الْقُرْآنِ

الْجُزْءُ الثَّالِثُ وَالْعِشْرُونَ وَالْجُزْءُ الرَّابِعُ وَالْعِشْرُونَ

المَجْدُّ الثَّانِي عَشَرَ

مَوْسُوعَةُ صَرْفِيَّةٍ، نَحْوِيَّةٍ وَ لُغَوِيَّةٍ لِأَلْمَانَا الْقُرْآنِ الْكَرِيمِ

بِرَرَسِي صَرْفِيٍّ، نَحْوِيٍّ وَ لُغَوِيٍّ وَازِهِ فِي قُرْآنِ الْكَرِيمِ

عَرَبِيٍّ، فَارْسِيٍّ

تَأْلِيفُ:

الدُّكْتُورُ سَيِّدُ رِضَا نَجْفِي

أَسْتَاذُ جَامِعَةِ إِصْفَهَانَ

سرشناسه:

عنوان و نام پدیدآور:

مشخصات نشر:

مشخصات ظاهری:

شابک:

نجفی، سید رضا، ۱۳۴۱-

المستعان فی اعراب القرآن/ تألیف سید رضا نجفی.

اصفهان: کتابنامه نجف، ۱۳۹۲-

ج. ۴۴۲ ص.

دوره: 0-5-94070-978-964-978-600-94815-2-1 ج ۲: 978-600-94815-2-1

ج ۳: 0-4-94815-978-600-94815-8-3 ج ۴: 978-600-94815-9-0 ج ۵: 978-600-94815-9-0

ج ۶: 6-6-94815-978-600-96673-0-7 ج ۷: 978-600-96673-5-2 ج ۱۲: 978-600-96673-5-2

ج ۱۳: 6-9-96673-978-600-94815-3-8 ج ۱۴: 978-600-94815-6-9 ج ۱۵: 978-600-94815-6-9

فایا

عربی.

پشت جلد لاتینی شده: ... Sayed Reza Najafi. Al-Mosta'an fi erabe

ج ۲-۷-۱۲-۱۵ (چاپ اول: ۱۳۹۵ (فیا)).

کتابنامه.

نمایه.

ج ۱. جزء او: ۲. سورة الحمد و سورة البقرة - ج ۲. جزء ۳ و ۴: ۳. سورة البقرة - سورة النساء - ج ۳. جزء ۵ و ۶: سورة النساء - سورة المائدة -

ج ۴. جزء ۷ و ۸: سورة المائدة - سورة اعراف - ج ۵. جزء ۹ و ۱۰: سورة المائدة - سورة توبه - ج ۶. جزء ۱۱ و ۱۲: سورة توبه - سورة

یوسف - ج ۷. جزء ۱۳ و ۱۴: سورة یوسف - نحل - ج ۱۲. جزء ۱۵ و ۱۶: سورة یس - فصلت - ج ۱۳. جزء ۱۷ و ۱۸: سورة شوری -

ج ۱۴. جزء ۱۹ و ۲۰: سورة الزمر - سورة الانعام - ج ۱۵. جزء ۲۱ و ۲۲: سورة الملک - سورة النور - ج ۱۶. جزء ۲۳ و ۲۴: سورة النور - سورة النور -

قرآن - صرف و نحو

Qur'an -- Grammar

موضوع:

موضوع:

Qur'an -- *D. istics

موضوع:

BPAT/2/35 17/15

ردہ بندی کنگره:

ردہ بندی دیوبی:

شماره کتاب شناسی ملی:



- نام کتاب:المُستعان فی اعراب القرآن - المجلد الثاني عشر
- مؤلف:دکتر سید رضا نجفی
- صفحه آرا:عباسعلی ربانی
- نوبت چاپ و سال انتشار:چاپ اول - ۱۳۹۶
- شمارگان:۱۰۰۰
- ناشر:کتابنامه نجف
- چاپ و صحافی:نگار اصفهان
- شابک جلد دوازدهم:۹۷۸-۶۰۰-۹۶۶۷۳-۵-۲
- شابک دوره ۱۵ جلدی:۹۷۸-۹۶۴-۹۴۰۷۰-۵-۰

حق چاپ برای ناشر محفوظ است.

مرکز فروش: اصفهان، میدان آزادی، خیابان هزار جریب، فروشگاه کتاب جهاد دانشگاهی اصفهان

تلفن: ۰۳۱-۳۷۹۳۲۰۸۶

تماس با ناشر - مولف: ۰۹۱۳۱۱۵۰۶۱۸

پست الکترونیکی: rezanajafi84@yahoo.com

فهرست مطالب

مقدمه ۵

سُورَةُ يَس ۱۱

سُورَةُ الصَّافَّات ۵۳

سُورَةُ ص ۱۲۷

سُورَةُ الزَّمَر ۱۸۷

سُورَةُ غَافِر ۲۷۸

سُورَةُ فَصَّلَت ۳۷۴

فهرس المصادر و المراجع ۴۳۹

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

مقدمه

حمد و سپاس خدای تعالی را که قرآن را با بیان: ﴿إِنَّا نَحْنُ نَزَّلْنَا الذِّكْرَ وَإِنَّا لَهُ لَحَافِظُونَ﴾ از تحریف و تبدیل حفظ نمود و دیود بی‌کران خدا بر پیامبر اعظم که وی را نذیر و رحمت و سراج منیر و هادی جهانیان قرار داد. سالکان و دانشمندان علوم اسلامی از صدر اسلام به حفظ قرآن در صدور و محافظت بر آن در سطور همت گماشتند و علم در هر عصر و زمانه، برای کشف معانی قرآن و پرده برداشتن از رمز و رازهای آن و شناختن آن معانی، به روی آوردند، بعضی به تفسیر آیات و احکام و اسباب نزول پرداختند و بعضی به تجوید و قرائات و بعضی به بلاغت قرآن و اعجاز بلاغی آن روی آوردند. همان‌گونه که بعضی برای دریافت عبرت‌ها، به قصص و امثال قرآن رجوع نمودند، برخی نیز برای فهم لطائف و اشارات به اعراب قرآن و بیان مشکلات اعرابی یا صرفی و نحو، آن است گماردند.

اعراب در لغت به معنای روشن و آشکار است و اعراب در اصطلاح نحویان عبارت است از روشن ساختن کلام برای مخاطب به گونه‌ای که در آن خطایی نباشد، این هشام اعراب را اثری ظاهر یا مقدر می‌داند که عامل در آخر اسم متمکن آشکار می‌سازد. برخی مانند ابن‌مالک، اعراب را پدیده‌ای لفظی دانسته‌اند که به صورت حرکت، حرف، سکون یا حذف در آخر کلمه ظاهر می‌شود. اما بیشتر محققان، اعراب را پدیده‌ای معنوی دانسته‌اند که حرکات و سکونات دلیل بر آن است.

بر اساس معنای اصطلاحی، اعراب منحصر به صدای آخر کلمات است اما بر پایه‌ی معنای لغوی همه‌ی حروف کلمه، دارای وصف اعراب است. شاید بعضی از روایاتی که دعوت به فراگیری اعراب در زبان عربی دارد ناظر به همین معنی باشد؛ آنجا که نبی مکرم اسلام (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ) فرمود: أَعْرَبُوا الْقُرْآنَ وَ التَّمَسُّوا غَرَائِبَهُ، ظاهراً مراد از اعراب تلفظ صحیح و واضح الفاظ است و در روایت دیگری فرمود: أَعْرَبُوا الْكَلَامَ كَيْ تُعْرَبُوا الْقُرْآنَ. در این کلام نیز، مراد تلفظ صحیح حرکت آخر کلمه و هم تلفظ همه حروف و صداهای هر واژه می‌باشد.

غالباً حرکات اعرابی نقش اصلی را در تفاهم و بیان معنای مقصود گوینده بر عهده دارد، به گونه‌ای که هر گونه تغییر در اعراب به تغییر در معنای جمله می‌انجامد. از این رو اعراب همزاد زبان عربی بوده است، اما دانش اعراب به ویژه اعراب قرآن از دامن قرآن کریم برخاسته و تاریخ آن به دوره پس از نزول قرآن بر می‌گردد.

بر پایه‌ی روایات مُتَقَنّ اسلامی، نخستین بار علام اعرابی، در قرآن کریم به کار رفته است، أَبُو الْأَسْوَد دُوْلِی (م. ۶۹ق) به اشاره امام علی (علیه السلام) و با کمک یحیی بن یَعْمُر، آغازگر اعراب‌گذاری قرآن کریم بوده است. در نخستین اعراب‌گذاری به معنای تعیین صدای کلمات، که بسیار ساده و ابتدایی بود، از نقطه استفاده شد. برای علامت فتحه، نقطه‌ای در بالای حرف و برای کسره نقطه‌ای در زیر حرف و برای ضمه نقطه‌ای در جلوی حرف قرار دادند و برای تنوین از دو نقطه و با رنگ‌های مختلف استفاده شد. بی‌شک أَبُو الْأَسْوَد غرضی جز پیشگیری از خطای نو مسلمانان و حفظ زبان عربی نداشت، همان کسانی که در اثر فتوحات و در ۱۰۰ سال نخست با عجم بیم آن می‌رفت که زبانشان رفته رفته دچار انحراف گردد.

نقطه‌ها - اعرابی پس از حدود یک قرن به دست خلیل بن أحمد فراهیدی (م. ۱۷۵ق) به صورت شکل‌های مختلف درآمد. تدریجاً به شکل امروزی تثبیت شد. در نیمه دوم قرن دوم رفته رفته با تحولی در اعراب قرآن مواجه می‌شویم. دانشمندانی همچون عبدالله بن ابی اسحاق، ابو عمرو بن علاء، عیسی بن عمر ثقفی، یونس بن حَبِیب، به نقل و تبیین نقش‌های کلمات در آیات قرآن پرداختند و برجسته‌ترین دانشمندان این دوره سیبویه است؛ وی در اثر گران سنگ، خود "الکتاب" که نخستین کتاب در نحو عربی است، در ضمن تدوین قواعد نحو، به تبیین و تحلیل نقش نحوی کلمات قرآن پرداخته است. گفتنی است که سیبویه در "الکتاب" به ۴۱۳ آیه قرآن کریم در مباحث گوناگون نحوی استشهاد کرده است.

با ظهور سیبویه و اثر برجسته‌اش "الکتاب"، مکتب نحوی سره شکل گرفت؛ از جمله ویژگی‌های بارز این مکتب، قانونمند کردن قواعد نحو و روی آوردن به قیاس در امری است، و با این رویکرد قواعد منضبط، محدود و در نتیجه سهل و آسان شد. و در مقابل این مکتب، نحو کوفه به پیشوایی کسایی (م. ۱۸۹ق) پدید آمد، این گروه بیشتر به نقل و سماع توجه داشتند. به هر روی نحو بصره از اعتبار بیشتری برخوردار گشت و تقریباً به عنوان نحو معیار، پیروان بیشتری را به خود جلب کرد. یکی از دلایل برتری نحو بصره و تقدّم آن بر نحو کوفه، متهم شدن نحو کوفه به استناد و استدلال به لهجه‌های غیر فصیح بود. در اواسط سده سوم هجری قمری، شاهد ظهور مکتب نحو بغداد هستیم که تلفیقی از دو مکتب نحو بصره و کوفه است. در حقیقت باید آن را حد اعتدال این دو مکتب دانست؛ دانشمندانی چون ابن خالویه، ابن دُرستویه، ابن جَنّی، رُحّاج و رَحْشَری به آن گرایش داشتند و دانشمندان مکتب اندلس، بیشتر به تدوین کتب دستوری زبان عربی اهتمام ورزیدند.

جایگاه و نقش مهم اعراب قرآن سبب شد که دانشمندان پس از قرن دوم به طور گسترده به تحقیق و تألیف در این دانش بپردازند، ظاهراً برای نخستین بار أَبُو جَعْفَر رُوَاسی از اصحاب امام باقر (علیه السلام) و امام صادق (علیه السلام) همو که استاد کسایی و فَرّاء بود، کتابی به عنوان اعراب القرآن نگاشت.

طَبْرَسی اعراب قرآن را برترین علم از علوم قرآن معرفی کرده است، زیرا هر بیانی به آن نیازمند و کلید گشودن معنای عبارات است و بدون آگاهی از آن، مراد خدا ناممکن است. و بعضی مانند ابن هشام و سیوطی و زُرْکَشی اعراب را فرع بر فهم معنا می‌دانند و معتقدند نخست باید فهم صحیحی از آیات به دست آورد، سپس بر طبق معنا اعراب آیه را بیان کرد. این در حالی است که در موارد بی شماری فهم صحیح آیه بر نوع اعراب آن مبتنی است و موارد فراوانی نیز یافت می‌شود که اعراب مبتنی بر دریافت معنا و فرع آن است و این به سبب ویژگی زبان عربی، به ویژه زبان قرآن و نظم دقیق و حساب شده آن است که در موارد بسیاری به آیات، قابلیت وجوه نحوی و اعرابی گوناگون می‌دهد و مطابق با هر ترکیب و تحلیل، معنایی متناسب برداشت می‌شود. لیکن ما بر این باوریم که معنا و اعراب لازم و ملزوم یکدیگر هستند و در هنگام رجوع به عبارت باید هر دو را مد نظر قرار گیرد و فهم معنا به اعراب کمک می‌کند و اعراب در کشف معنا مفسر را یاری می‌رساند.

توجه به اعراب نزد دانشمندان مسلمان تا جایی فزونی یافت که اعراب قرآن به عنوان فنی مستقل در کتب ویژه جای گرفت، لیکن دانشمندان به این فن شهرت یافتند همه در کارشان برابر نبودند، بلکه از جهات مختلف و با رویکردهای گوناگون، اعراب را به نحو برجای گذاشتند. پس از رؤاسی بعضی مانند مکی بن ابی طالب القیس (م ۴۳۷ق) تنها به مسدود اعراب قرآن پرداختند و بعضی مانند ابن الأباری صرفاً به جانب غریب قرآن متمایل گشتند و برخی مانند ابی البقاء عکبري (م ۶۱۶ق) در کتابش به نام "إملاء ما من به الرحمن"، اعراب کل قرآن را بررسی کردند. مگر مواردی که شکار باشد، ابوالسحاق زجاج (م ۳۱۱ق) در کتاب اعراب القرآن با تقسیمات خاص خود به اعراب قرآن روی آورده است و بعضی مانند قراء در کتاب "معانی القرآن" و ابن جی (م ۳۹۲ق) در کتاب "مختسب" و ابن فارس (م ۹۰۰ق) در کتاب "حجة" و نحاس (م ۳۳۸ق) در کتاب "اعراب القرآن" به گردآوری موارد دشوار اعراب و قرآن پرداخته‌اند و دیگر کسانی که از قدما در اعراب القرآن، صاحب تألیف می‌باشند، عبارتند از: قطرب (م ۲۰۶ق)، ابی حاتم السجستانی (م ۲۴۸ق)، و ابوالعباس المبرد (م ۲۸۶ق)، و ابوالعباس ثعلب (م ۲۹۱ق)، و ابوعبد الله بن خالويه (م ۳۷۰ق)، و ابوزکریا تبریزی (م ۵۰۲ق).

و نیز به دانشمندان دیگری می‌توان اشاره کرد که اعراب قرآن را در ضمن کتاب تفسیر خود مطرح کرده‌اند، مانند محمود زحشري (م ۵۳۸ق)، در کتاب "الکشاف"، و ابویحیی الأندلسی، در کتاب "بحرالمحیط"، حسن طبرسی در کتاب "تجمع البیان". و در میان کتاب‌های تألیف شده در موضوع اعراب قرآن دو کتاب "اعراب القرآن" زجاج و "معنی اللیب" ابن هشام، در شیوه نگارش با دیگر کتب متفاوت است؛ این دو کتاب مبتکر بحث موضوعی در زمینه اعراب قرآن می‌باشد. در حالی که کتاب‌های گذشته در

واقع به تحلیل اعراب کلمات و آیات مشکل قرآن به ترتیب سوره‌ها و آیات روی می‌آوردند و در میان مؤلفات معاصر، دو کتاب "إعراب القرآن و بیانه" از محی الدین درویش و "الجدول فی إعراب القرآن و صرفه و بیانه" از محمود صافی از شهرت بیشتری برخوردار است.

اولین بار در دهه شصت با تولید نرم افزار قرآنی کوثر، به اعراب قرآن روی آوردم و در دهه هفتاد تولید نرم افزار بزرگ اعراب القرآن را آغاز نمودم که در سال ۱۳۸۱ به نتیجه رسید و به همت شرکت سروش وابسته به صدا و سیما مرکز اصفهان تکثیر و توزیع گردید. پس از اقبال عمومی به آن نرم افزار و دریافت نتایج و بازخوردها و آگاهی از نظرات کاربران محترم، به فکر اصلاح و به روز کردن آن برآمدم و از آنجا که بعضی خواهان ارائه اعراب قرآن به صورت کتاب بودند، کتاب: **المُسْتَعَانُ فِي إِعْرَابِ الْقُرْآنِ**، در پاسخ به این درخواست تهیه و به همه علاقه‌مندان درک معانی بلند قرآن کریم تقدیم می‌گردد.

مشخصات این کتاب

در این اثر پژوهشی آموزشی ویژه رهشگران علوم قرآنی و طلاب علوم دینی به ویژه طلاب جامعه الزهراء (سلام الله علیها) و مطابق با سر فصل انشعاب، گونه‌های زبان عربی و الهیات و علوم قرآنی دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی تدوین گشته، تلاش شده است که اعراب کلمات با توجه به معانی الفاظ و عبارات صورت گیرد و با تکیه بر وجوه شایع و رایج در میان فصیحان عرب و قواعد دستوری از وجوه شاذ و نادر و اعراب‌های خلاف ظاهر و منافی با نظم کلام، دوری گیرد. سرد و با پرهیز از کاربرد اصطلاحاتی که با شأن کتاب الهی ناسازگار است، در تبیین اعراب در چارچوب اصلاحات و قواعد پذیرفته شده در صنعت صرف و نحو حرکت صورت پذیرد.

شایان ذکر است که در جای جای این تالیف، ضمن بیان اعراب و وجوه شاذ و اصلی و مختار در متن، بعضی وجوه مُحْتَمَل و مُرْتَبَط دیگر نیز، به زبان فارسی در پاورقی برای پژوهشگران ذکر شده است و شرح اصطلاحات صرفی و نحوی و تعریف انواع جمله در حاشیه کتاب به دو زبان عربی و فارسی به صورت مختصر آورده شده است.

در این کتاب که شامل سوره‌های جزء ۲۳ و ۲۴ می‌باشد، روش مؤلف اعراب کل کلمات قرآنی است. بدین صورت که همدی واژه‌های نورانی قرآن، اگر چه تکراری باشد از نظر صرفی و نحوی و همچنین همه عبارات هدایتگر از نظر نوع جمله، مورد بررسی قرار گرفته است. بنابر این، تحلیل صرفی و نحوی هر کلمه و یا نقش هر جمله به راحتی و با اطلاعات مشترک و برابر، در هر آیه در دسترس خواننده قرار گرفته است و از ارجاع به نمونه‌های مشابه قبلی خودداری شده است و برای هر واژه، اسم، فعل یا حرف، اطلاعات برابر

در کل آیات و با ترتیب مشخص و با حرکت گذاری کامل، برابر گونه‌های زیر ارائه شده است و از آنجا که اسم و فعل دارای معنای مستقل است، این دو قبل از مشخصات صرفی و نحوی به زبان فارسی ترجمه شده است:

برای هر حرف، شش ویژگی صرفی و اگر حرف جر باشد هفت ویژگی به ترتیب زیر ارائه گردیده است:
 قَدْ: حرف، حرف تحقیق، غیرعامل، مَبْنِی، بِنَاؤُهُ أَصْلَی، مَبْنِی عَلَی السُّكُونِ.

عَلِی: حرف، حرف جر، مُتَعَلِّقٌ بِفِعْلٍ قَبْلَهُ، عَامِل، مَبْنِی، بِنَاؤُهُ أَصْلَی، مَبْنِی عَلَی السُّكُونِ.

برای اسم عرب ۱۰ نکته صرفی و ۳ نکته نحوی به ترتیب نمونه زیر ذکر شده است. اطلاعات صرفی و نحوی و نوع اسم با دو خط اریب: // از هم جدا گشته‌اند:

الْحَمْدُ: (اسم، جَرِّ مَصْدَر، مَفْرَدٌ، مُذَكَّرٌ، ثَلَاثِي جُزْءٍ، مُتَصَرِّفٌ، مُنْصَرَفٌ، ح م د، الْقَعْلُ، مُعَرَّبٌ. // مُبْتَدَأٌ، مَرْفُوعٌ بِالضَّمَّةِ.

برای اسم غیر عربی تنها ۵ ویژگی صرفی و برای اسم عدد معرب ۵ ویژگی صرفی و اسم عدد مبنی ۷ ویژگی صرفی و برای ظرف و اسم مبنی ۳ ویژگی صرفی نوشته می‌شود، مانند:

مُوسَى: (اسم، اسم غیرعربی، مَفْرَدٌ، مَذَكَّرٌ، ثَلَاثِي جُزْءٍ، مُتَصَرِّفٌ، مُنْصَرَفٌ، // مَفْعُولٌ بِهِ أَوَّلٌ، مَنْصُوبٌ بِالْفَتْحَةِ الْمُقَدَّرَةِ.

أَلْفٌ: (اسم، اسم عدد، مَفْرَدٌ، مُذَكَّرٌ، مُعَرَّبٌ. // مَفْعُولٌ فِيهِ، مَنْصُوبٌ بِالْفَتْحَةِ.

تِسْعَةُ عَشْرَةَ: (اسم، اسم عدد، مَفْرَدٌ، مُؤَنَّثٌ، مَبْنِی بِنَاؤُهُ عَارِضٌ، مَبْنِی عَلَی الْفَتْحِ. // مُضَافٌ إِلَيْهِ، جُزْءٌ تَحَلَا.

بَيْنَ: (اسم، ظرف، مُعَرَّبٌ. // مَفْعُولٌ فِيهِ، مَنْصُوبٌ بِالْفَتْحَةِ.

مَنْ: (اسم، اسم شرط جازم، مَبْنِی عَلَی السُّكُونِ. // مُبْتَدَأٌ، مَرْفُوعٌ بِتَحَدٍ.

برای هر فعل مبنی: ماضی و امر حاضر، ۱۲ ویژگی صرفی و برای فعل عرب مضارع و امر غائب، ۱۰ ویژگی صرفی به ترتیب زیر و مانند نمونه تقدیم شده است و نوع اعراب فعل مضارع نیز پس از بخش صرف مشخص شده است.

عَلِمَ: فِعْلٌ، فِعْلٌ مَاضٍ، لِلغَائِبِ ۱، ثَلَاثِي جُزْءٍ، مُتَصَرِّفٌ، مُتَعَدٌّ، مَعْلُومٌ، ع ل م، فِعْلٌ، مَبْنِی، بِنَاؤُهُ أَصْلَی، مَبْنِی عَلَی الْفَتْحِ. // فَاعِلُهُ الْإِسْمُ الظَّاهِرُ.

كُلُوا: فِعْلٌ، فِعْلٌ أَمْرٌ، لِلْمُخَاطَبِينَ ۹، ثَلَاثِي جُزْءٍ، مُتَصَرِّفٌ، مُتَعَدٌّ، مَعْلُومٌ، أ ك ل، عَلُوا، مَبْنِی، بِنَاؤُهُ أَصْلَی، مَبْنِی عَلَی حَذْفِ التَّوْنِ. // فَاعِلُهُ الضَّمِيرُ الْبَارِزُ "و". // الْجُمْلَةُ: إِسْتِثْنَائِيَّةٌ، لَا تَحِلُّ لَهَا مِنَ الْإِعْرَابِ.

تُبَيِّنُ: فِعْلٌ، فِعْلٌ مُضَارِعٌ، لِلغَائِبَةِ ۴، ثَلَاثِي جُزْءٍ، مُتَصَرِّفٌ، مُتَعَدٌّ، مَعْلُومٌ، ن ب ت، تُفَعِّلُ، مُعَرَّبٌ. // مَرْفُوعٌ بِالضَّمَّةِ. // فَاعِلُهُ الْإِسْمُ الظَّاهِرُ.

لِيَصُم: فِعْلٌ، فِعْلٌ أَمْرٌ، لِلْغَائِبِ ١، ثَلَاثِي مُجَرَّدٌ، مُتَصَرِّفٌ، مُتَعَدٍّ، مَعْلُومٌ، ص و م، لِيَقُلْ، مُعَرَّبٌ. // جَزُومُ
بِالْشُّكُونِ. // فَاعِلُهُ ضَمِيرٌ مُسْتَتِرٌ جَوَازًا تَقْدِيرُهُ "هُوَ". // الْجُمْلَةُ: فِي تَحَلٍّ الْجَزْمِ، جَوَابُ الشَّرْطِ.

در ترجمه اسم و فعل تلاش شده است معنای واژه بدون توجه به ماقبل و مابعد آن و سیاق آیه موردنظر، ارائه گردد، از این روی به عنوان مثال حرف نفی تأثیری در ترجمه نداشته و فعل‌های منفی، مثبت معنا شده است.

همان‌گونه که در نمونه‌های بالا مشاهده شد، مرفوع هر فعل یعنی نوع فاعل یا نائب فاعل در فعل‌های تام و نوع اسم در فعل‌های ناقص، با یکی از گزینه‌های: ضمیر مستتر، ضمیر بارز، اسم ظاهر و یا مصدر مؤول در متبل فرد فعل مشخص شده است.

نوع جمله، چه صغری و چه کبری و چه جمله‌هایی که محلی از اعراب دارند و چه جمله‌هایی که محلی از اعراب ندارند، مقابل عمل اگر مرفوعش ضمیر است و یا در مقابل فاعل، نائب فاعل، خبر و یا معمول‌هایی مانند مفعول به، مفعول فیه، مفعول معال معالیه که فعل آن‌ها محذوف است معین می‌گردد. مانند این جمله اسمیه که خبر آن خود جمله‌ای دیگر است:

هُم: اِسْمٌ، ضَمِيرٌ مُنْقَصِلٌ مَرْفُوعٌ، نَبِيٌّ، اَنْبِيَاءُ الشُّكُونِ. // مُبْتَدَأٌ، مَرْفُوعٌ تَحَلٍّ.
يُوقِنُونَ: فِعْلٌ، فِعْلٌ مُضَارِعٌ، لِلْغَائِبِينَ ٣، ثَلَاثِي مُجَرَّدٌ، مُتَصَرِّفٌ، مُتَعَدٍّ بِحَرْفِ الْجَزْمِ. ب، مَعْلُومٌ، ي ق
ن، يُعْلَمُونَ، مُعَرَّبٌ. // مَرْفُوعٌ بِالنُّونِ. // فَاعِلُهُ الضَّمِيرُ الْبَارِزُ "و" // الْجُمْلَةُ: فِي تَحَلٍّ الرَّفْعِ، خَبَرٌ. الْجُمْلَةُ الْكُبْرَى:
مَعْطُوفَةٌ، لَا تَحِلُّ لَهَا مِنَ الْإِعْرَابِ.

امید است این خدمت قرآنی جدید، که برگرفته از طرح پژوهش معادب دانشگاه اصفهان به شماره ۹۲۱۱۱۱۱۸، و در سایت: ketabdardar.info/earabolquran در قالب دسترسی است، کمکی در فهم و تدبیر کلام الهی و آشنایی با معارف قرآنی و رهگشای زندگی دنیا و توفیق عتبات باشد.

و اللَّهُ الْمُسْتَعَان

دانشیار گروه عربی دانشگاه اصفهان